

## روزنامه رسمی کشور شاهنشاهی

برای نظارت در امر انتخابات معین گند در این زمینه سبتم ها متفاوت است ولی آن جو را امروزه تقریباً در تمام دول و ممل مشروطه انتخاب کرده اند این است که در قسمت های حکومتی مملکت یک انجمن برای شور در امور ملی محل انتخاب می کنند و این انجمن ها باسامی مختلف نامیده می شوند از قبیل انجمن ایالتی انجمن ولایتی و انجمن محلی و بود این گونه انجمن ها برای انتخابات لازم است و یکی از وظایف حتمی آن انجمن هانظارت در صحت جریان انتخابات می باشد و باید انتخابات را از دست برده مال دولت و حال کم و پیشکار مالیه و رئیس اوقاف وغیره محفوظ دارند :

یک هیئت های دیگری نیز هستند موسوم با انجمن بلندی که در موقع انتخابات و نظارت در آن با انجمن های ولایتی کملکتی نمایند و ذیحق هم هستند زیرا انجمن بلندی نیز انتخابی است و بنابراین ذی دخل در امر انتخابات می باشد

آقای نماینده محترم همدان این است طریقه انتخابات و بعیده بندۀ تا انجمن ها نباشد تبیجه مطلوبه از انتخابات گرفته نمی شود با آنچه بندۀ حس می کنم و خیلی خوش قدم این است که کمپیون مخالفت با بندۀ نداد بلکه موافقت هم دارد و مجلس شورای ملی هم در موضوع تجدید نظری ندارد یعنی با آن سیستم و ترتیب که ما در مجلس دوم انتخاذ کردیم موافقت دارد حتی آقایانی هم که اظهار مخالفت فرمودند آزادیرا توسعه می دهند و راجع بمسئله سن هم که درهمه جای دنیادر سن ۱۵ و ۱۶ و ۱۷ سال حق انتخاب باهالی نمی دهند آقایان می خواهند حق انتخابات بدنه بندۀ بنابراین این مسئله تجدید نیست بلکه توسعه و آزادی است اگر در مملکت درسن بیست سالکی شما پنج کرور رأی دهند داشته باشید درسن ۱۵ سالکی البته هفت هشت کرور رأی دهند خواهد داشت بنابراین بندۀ چنانکه عرض کردم در این مجلس شخصی را نمی بینم که موافق با تجدید باشد موضوع دیگری که مورد مذاکره است موضوع تمدید است و بندۀ خیال می کنم اگر مسئله تجدید انجام باید کار ما بسیار سهل خواهد شد یعنی این رایورت بر می گیرد و کمپیون مربوطه کمپیون هم در مواد هفتم و هشتم قانون انتخابات اعمال نظر نموده که بهینه ها گونه می شود انجمن نظار را تشکیل داد و جلو گیری از دسایس و دخالت هیئت مجریه از انتخابات نمود اگر این اصلاحات بعمل آمد خواهد دید که قانون انتخابات ما بکلی اصلاح خواهد شد و انشاء الله اگر سعی نمایم خودمان راییک درجه خوبی خواهیم رساند از برای یک عدد انتخاب هوند گان پکمده

یعنی اشخاصی که در انتخابات دیسه می نمایند سیاست شوند و تقلبات در انتخابات موقوف گردد و ماده (۴۷) سیاست های برای تهدید و تقطیع وغیره معین می نماید لیکن این ماده همچو قوت بمقام اجرا گذارده نشده ماده هفتم آنطور یکه باید و شاید از آسایش در انتخابات جلو گیری نمی کند بلکه بر عکس دیسه کننده (۱) تشویق مینماید در عوض اینکه این معاایت را جلو گیری کنیم چسبیده این بخود فانون و قانون همچو علت و نقش نداد و چنانچه عرض کردم خیلی ترتیب عملی و نزدیک و مناسب باطرز زندگانی ما است چون زندگانی ما بسیار ساده و نزدیکترین زندگانی با انسان و مسلک اشتراکی است از طرف نمایندگان چنین نیست این کلمات را نفرمایند

**وحیدالله‌لک** — در مملکت ما که اسلامی است تمویل را بایه و اساس امتیاز امیگرند و از برای شخص تمویل امتیاز نمی شود در هر صورت بندۀ نمی خواهند داخل در این موضوع شوم و تبلیغ مسلکی نمایم ولی این ترتیب انتخابات فعلی بهتر و نزدیکتر با خلاق ماست و انتخابات محدود برای ماطریقه اجرایش بسیار مشکل است تاشما انجمن های محلی نداشته باشید و اشخاصی در محل برای نظارت در امر انتخابات نداشته باشید ممکن نیست که انتخابات با خلاص ماست و انتخابات محدود باشد ولی کلمه مصالحت با ترتیبات علمی است.

آقای سیمک یعقوب — چنین چیزی نبوده است .

**وحیدالله‌لک** — بسیار خوب اگر اینطور نبوده است پس باید تبیجه انتخابات هم خوب باشدو هم راضی باشند بندۀ که آنچه میتوانم مابین سطوار این رایورت نخوانم این است که از تبیجه انتخابات مردم راضی نیستند و شکایت دارند اگر راضی هستند همچرا در آن خصوص صحبت می کنند و اگر راضی نیستند باید دید فساد در کجا است در هیچ جای هالی حکومت در انتخابات دخالت نمی کند انتخابات ملی است و خود ملت باید در آن نظارت داشته باشد تا هیئت های انتخابیه مخصوص در هر معنی نداشته باشد تقریباً همه انتخابات نظار را تغییر کند تا انتخابات صیح شود و ماده چهل و هفت بمقام اجرا گذارده نمی شود .

قانون انتخابات آنچه هست شرط سواد است یعنی هر کسی که بتواند بخواند و بنویسد حق رأی دادن را دارد و از این دوره تمام ملت ایطالیا از صد نفر تا ۴۸ نفر از حق انتخاب معروم می شوند زیرا که عده بی سوادین آنها زیاد است انگلیسها که هفتصد سال دارای مشروطیت می باشد انتخابات شان خیلی محدود تر و با شرط تراز تمام انتخابات موجوده می باشد یعنی از انتخابات هم امتیاز فعلی را قادر اند اندوهم امتیازات تمویلی و مسکنی و هر دو این ممالک یا شرط دارها هستند که چندین سال است جریان تکاملی خود را طی کرده است و سایر ممالک از قبیل بونان و بلغار وغیره از روی یکی از این دو سیستم تقلید نموده اند .

ولی بندۀ هر ضمیمه کنم اگر این اصل را ترجیح می دهد دیگر لازم بود از مجلس کسب حقیقته نماید و اصل تحدید این را پیشنهاد کند . اما اصل تحدید واضح است که اجمع می شود بکیفیت انتخاب و شرایط انتخاب کنند و بالآخر بماده (۶) قانون انتخابات ولی راجع بکیفیت و صفت انتخاب و منتخب که آقای آقا سید یعقوب فرمودند راجع بماده (۷) است بنابراین تجدید در موضوع ماده (۶) است و این هم یک اصلی نیست که ما بخواهیم برای خوده اند انتخاب نمائیم در تمام ممالکی که حکومت ملی و شوری دارند یکی از این دو اصل محقق است یا همویت انتخاب و بدون قید و یا تحدید انتخابات با قبود و شرایط و این مسئله مسلم است ماهم در دوره ددم راجع باین دو موضوع مذاکرات خیلی طولانی بعمل آوردیم که بعد از مذاکرات کما بین دو دسته آن روز مجلس شورای ملی هفت ها جریان داشت این قانون فاعلی یعنی انتخاب بدون قید و بدون شرط خارج شد باین معنی که اگر افراد ایرانی دارای سن معنی و دارای بعضی شرایط منع کنند از انتخاب نیستند یعنی جانی نیستند و بر فکر و حقیقته می باشی خودشان ناظرند در امر انتخابات شریک نمودند .

این بود قانون انتخاباتی که از مجلس دوم گذشته است و آن هم چیزی نبود که ما از خودمان اختراع کنیم بلکه دو کلیه ممالکی که حکومت ملی دارند این دو قسم انتخابات وجود دارد یعنی در انتخابات بطور کلی دو سیستم در جریان است .

یکی سیستم فرانسویان که از سال (۱۸۴۸) مسبوعی یعنی از انقلاب دانش و رایج شد که تقریباً بایه و اساس انتخابات فعلی ملی و آن انتخاب مستقیم و عمومی است و دیگری سیستم و ترتیبی است که در سایر ممالک دیگر از قبیل ایطالیا و آمریکا وغیره جریان دارد اینکه این مملکتی است که سالهایی دراز است مشروطیت دارد و یک شرط بزرگی که در

ولی متأسفانه دمهای از اوقات مجلس صرف رسید کی بشکایات شده است بنده میخواهم علی این شکایات را بیان کنم بعداز آنکه محل آنرا عرض کردم البته رأی با اکثریت است و هر چه بگویند مطاع خواهد بود.

بعقیده بنده در همومنی بودن انتخابات نه سرعت جریان انتخاب بعمل می آید و نه از اعمال نفوذ و دسیسه جلوگیری می شود زیرا اشخاص رأی دهنده کان غالباً می سوادهستند و نمی فرمند انتخابات برای چه و نتیجه آن جوست و همبشه در تحقیقات اشخاص واقع میشوند که کاملاً نسبت با آنها تسلط و نفوذ دارند.

فرض بفرمانی دیریک شهربانی انتخابات شروع می شود پنجهزار نفر از اهالی که معنی انتخابات را فرمیده و حقایق ایجاد خالت در آن داشته باشد می آیند و شروع به معرفت تعریف و دادن رأی می نمایند و شاید در باره جنبدنفری گفتماً شایسته انتخاب باشند رأی میدهند.

ولی در همین حین یک عدد دیگری که داخل همان حوزه انتخابیه هستند و بهبج و به نمی دانند که آمیش انتخابات برای چه مقصود است بلکه همین کداخراج من شدن بعضی ها دعا می خوانند و بعضی پنهان و بليط مطالبه می نمایند آنها هم شروع بدادن رأی میکنند و یکدفه پنجهزار یا شههزار ورقه بیرون می آید و آراء جمیع اشخاصی را که از روی عقیده رأی داده اند از بین میبرد.

در این صورت آیا باید خودمان را دلخوش داشته باشیم که آزادی داریم و یا قوانین مشروطیت را عقیده مندیم خیر این طور نیست باید انتخابات از روی صحت باشد باید انتخاب گفته شده بفهمد که کی را انتخاب من کنم.

نه اینکه هر کس فی الجمله نفوذی دارد یعنی یا شش هزار نفر را جلو بیندازد و آراء چهار هزار نفر را که از روی عقیده و وجود آن رأی داده اند بایمال نمایند البته در این صورت شروع بر سیدن شکایات میشود و حق هم دارند.

زیرا آنها از روی یک عقیده ثابتی رأی داده اند و یک عدد اشخاصی که بیچار خود را نمی فرمند آراء آنها را تضییع نموده اند آن راجح بصحت و عدم صحت انتخابات و اما علت بطاوه جریان انتخابات که با این ترتیب حاضر این ابدآ ممکن نیست اصلاح شود.

حالا بنده حکایی ندارم که در یک مملکت عریض و طوبی که راه آهن دارد و نه وسائل حمل و نقل طول مدت انتخاب از بکمال الی دوسال کمتر نخواهد شد ما در جدول انتخابات حق داده ایم که در

انتخابات نمودیم بطوری که آفایان مسبوق بودند یا کجهت مهم آن شکایات زیادی بود که در اطراف انتخابات همین مجلس خوانده میشد. و مدت‌ها وقت مجلس را بشغول داشت بهجهت دیگر بطور جریان انتخابات بود که بتوجه به ثابت شده است که یک دوره انتخابیه از وقتی که اعلان می شود تا وقتی که خانم یهدا می کند شاید پنج شش سال طول میکشد و از این دو بالطبعیه یک دوره فقرتی در مملکت احداث میشود و برای جلوگیری از همین نواقص و ایام ذرت بود که مجلس مجبور شد در قانون انتخابات تعجب بدان نظری نماید، حال باید درین چهاری در قانون انتخابات باعث بطاوه جریان انتخابات و ایجاد بحرانهای بی دری شده است. در در اینجا و نظریه میباشد یک نظری (ثئوری) و یک نظر عملی

**ارباب گیفسرو** - فارسی بفرمانی  
**آصف الممالک** - بسیار خوب نظری و عملی آفایان از غبل آفای وحید الملک وغیره بلکه فرمایشان را راجع به قانون انتخابات فرمودند که از زریق انتخابات فرمایند که تصدیق میفرمایند که انتخاب شده البته تصدیق میفرمایند که عقیده مامی توانیم از قوانین ممالک دیگر تقليد کنیم که تمام مقدمات و وسائل اجراء آن قوانین در مملکت ماهر فراهم باشد و بدینهایه در مملکت ما آن مقدمات فراهم نیست می فرمایند چون ما انجمنهای ایالتی و ولایتی و بلدی نداریم این جوست حکام در انتخابات اعمال نفوذ می نمایند تصدیق میفرمایند که همین عدم انجمنهای ایالتی وغیره هم بواسطه عدم فراهم بودن وسائل اولیه است چرا انجمنهای ایالتی تعطیل نشود؟ هر ایاستی انجمنهای بلدی نداشته باشیم. بعقوله بنده تمام اینها و تمام دلائل بطوطه جریان انتخابات آنچه بنده در تلو عمل تجربه نموده ام بواسطه عدومی بودن انتخابات است و تمام این شکایانی که میرسد از همان عدومی بودن انتخابات است.

البته بنده هم تصدیق دارم که هم افراد باید از این حق استفاده نمایند و در قسمت خودشان این حق باید شامل آن هم بشود.

ولی باید اول بفهم که این حق را برای که باید قائل شده در قانون مشروطیت این حق را باشخاص می دهند که بتوانند از حق خودشان استفاده نمایند ولی ما این حق را برای اشخاصی قابل می شویم که حقیقت آنها این حق را نمی فرمند و تضییع می کنند.

(کفته شد چنین نیست)

**آصف الممالک** - اجازه بفرمانی بنده خیلی خوشقت می شوم که انتخابات بدون شکایات ختم شود و با کمال سهولت اعتبار نامها بگذرد.

اعضاء کمیسیون عقیده شان این بود که حق انتخاب فقط بشهرها داده شود و دهات را باید از این حق محروم نمود و بعضی دیگر را عقیده این بود که باید حوزه های انتخابیه را کم نمود و سائلی اتخاذ کرد که امر انتخابات زود تر خاتمه داشته باشد در دوره مجلس شورای ملی بنشینند

**هخبر** - متأسفانه باوضیحانی که داده شد بازناطق محترم اظهار اراتی از روی کمیسیون میرسید این بود که کمیسیون مجبور شد این که شخصاً اظهار عقیده نماید و یا اینکه در مستقیم و مخفی و عدومی بودن انتخابات هنیده خودش را اظهار دارد.

این دو اصل تجدید و تمدید را بینشیده اند مجلس نمایند در هر حال کمیسیون از خود اظهار عقیده نموده است و ممکن است معتقد به توسعه انتخابات و همان عدم محدودیت مطلقی که آفای رئیس فرمودند یعنی بالاتر از قانون فعلی انتخابات باشد و نیز ممکن است که معتقد بهمین قانون حاضره باشند در هر صورت کمیسیون هنوز اظهار عقیده نکرده است و شما هم بی جهت بکمیسیون نه حمله و اعتراض بفرمانی و نه عقیده را راست باور بدهند.

بهمین دلیل است که رایورت خودش را خلاصه و ساده نوشته است و خلایق انتخاب از اینکه همان مراعات ایجاد و اختصار باعث اشتباه ناطق محترم شده و اسباب زحمت بنده را فرامی آورده است بنده مجبور برای رفع اشتباه ناطق محترم و سایر آفایان قسمت همه را باید داشت که اینکه مدتی در نزد آفایان بوده است بخواهیم آفای وحدت الملک می فرمایند رایورت کمیسیون اینطور می ساند که عقیده کمیسیون عدم محدودیت است

در صورتیکه بر هکس اظهارات آفای بنده می بینم در رایورت خود اگرچه نوشته ایم که از طرف اکثریت اعضای کمیسیون در نتیجه مطالعات زیاد آن بینشیده انتخابات مورد توجه واقع نشده و انتخابات مخفی و عدومی رجیحان ندیرفت اما این قطعاً را کمیسیون رجیحان ندیرفت که نوشته هم خوب بود ملاحظه بفرمایند که نوشته شده میس در طرح اصلاحات محتاج شد وسائل ذیل را در نظر بگیرید

اولا ... ثانیا ... بالاخره ثالثا طرح زمینه و ایجاد وسیله برای مماعت از پیش آمدن ادوار فترتی الی آخر تا آنجا که می گوید راجع باصل تجدید از قبیل فلان و فلان رای کمیسیون بطریقی که قبل اشاره کردیم ممکن است این مدت از مدت این ادوار تجدید باید زود تر خاتمه داد تا در باره تجدید مذاکراتی بشود

**رئیس** - آفای آفایید محمد باقر دست غیر بینه هم عقیده باشند ولی در هر صورت مسئله تجدید باید زود تر خاتمه داد تا در

باره تجدید مذاکراتی بشود

**آصف الممالک** - بنده باعهدید موافقم رئیس - بفرمانی  
**آصف الممالک** - بنده عرض می کنم که اول ما باید بفهم که این حق را نمی فرمند و با کمال سهولت شدمادر مجلس مذاکره در اباب تجدید قانون

مامتوانیم نفوذ ملکین را از بین ببریم و انتخابات را بشهرها و قبصات محدود بگیریم ولی در این صورت یک قسمت بزرگ از اهالی مملکت را از این حق محروم کرده ایم ذیر تمام زارعین و دهائین را باید از حق انتخاب محروم بگیریم بلاؤه زارعین مادو قسمتند یک قسمت در تحت نفوذ ملکین میباشند و یک قسمت دیگر آزاد است اگر بخواهم بعلت اینکه یک قسمت از آن هادر تحت نفوذ ملکین هستند تمام را محروم کنیم به یک قسمت دیگر از زارعین و فلاجین غلام میشود با این جهت گمان نمیکنم ما بتوانیم در این باب رأی بدهیم و آن طبقه را محروم کنیم ولی دو قید است که ما بواسطه آن دو قید میتوانیم نایک درجه موقفيت پیدا کنیم یک اینکه بقشون بروی بعضی و آنچه در حکم آنها است مثل سواران ولایتی و سپورها و اجزاء نظمی و سایر اشخاصی که نفوذ آنها سبب فساد انتخابات میشود حق انتخاب نهیم . یک قید دیگر هم قید سواد است باین معنی که با امتیاز فضلي قائل شویم و به نسبت امتیاز فضلي برای اشخاصی نایک رأی دو رأی و سه رأی قائل شویم زیرا این امتیاز فضلي تا نایک درجه جلو گیری میکند از اینکه متنفذین مقاصد خوشان را انجام دهند و اگر چنانچه این دو اصل را ملاحظه کنیم نایک درجه نمایندگی ملت بهتر محفوظ باشد.

**رؤیس** — اگر آقایان موافق باشند هنند دقیقه تنفس داده شود در موقع تنفس کمیسیون هامه مقدمه شود و باید هر کمیسیونی هیئت رئیسه خود را انتخاب نماید

(در این موقع جلسه برای تنفس تعطیل و پس از نیم ساعت مجددآ تشکیل گردید رئیس — آقای حاج شیخ اسدالله جناب های موافقید؟

**حاج شیخ اسدالله** — بلی موافقم، رئیس — بفرمائید.

**حاج شیخ اسدالله** — در اینکه معاشر انتخابات در این مملکت زیاد است تردیدی نیست و تصور میکنم آقایان هم که مخالف با تحدید هستند معتقدند باشند که وضعیات انتخابات در این دوسته دوره رضایت پخش نبوده زیرا همان قسمی که بعضی از آقایان اظهار داشتهند متنفذین و ملکین این رعایا و این بیچاره هاره که نمیدانم بجهه آن هارا تشییه کنیم بگوییم (یا بعیر دیگر) دسته دسته بطریف مقصود خودشان سوق میدهند و آنها هم ناگزیر از اطاعت هستند.

**رؤیس التجار** — بعده بمنه گوییم نیستند مطیع اند

**حاج شیخ اسدالله** — وهم چنین مامورین دولت و حکام در هر نقطه که هستند یک دستور العمل و کاندیدی معنی نسبت بعوزه های انتخابیه دارند و مردم هم مجبور باطاطا آنها هستند . امتعان هم نداشت و اغلب آقایان هم مبدانند و این وضع خیلی ناگوار

رؤیس — سر کار فرمودیم و اتفاقید گرویس — با عدم تصرف موافقیم یعنی نه تمدید باشد و نه تمدید ولی اگر چنانچه در دوره دوم در بعضی از مواد انتخابیه تصریفاتی شده است و مجلس یک صورت تأسیسی از هموم مات برای خود بدست آورده حالاهم مشغول چنین کاری هستند آن یک مسئله است والا مجلس شورای ملی همچو صلاحیتی ندارد که بتواند تصریفاتی در این قانون بگند

**رؤیس** — آقای حاج میرزا علیمحمد (اجازه نطق)

**حاج هیوز اعلیٰ محمد** — همه بدنه در خصوص منصب گریزش کرده و اساس مجلس است این است که اگر منصب گریزش بظور یکه باید ارادی و ظرفی بگند تشکیل مجلس خواهد داد که نایندگان آن مجلس نمایندگی از طرف ملت آن مملکت داشته باشند مجلس اول که مجلس طبقانی بود بنظر ما خوبی ناقص می آید و تغییر و تبدیل قانون انتخابات برای نقصان کیفیت انتخابات طبقانی بود و اگر بطور دقت نظر حکیم شاید آنطور نمایندگی از طرف ملت بهتر بود از انتخاباتی که بود شده مجلس اول از طبقه اصناف که از شهرها انتخاب شده بودند تشکیل شده بود که میتوانست افکار متنخبین خود را اظهار کنند (بعضی گفتند هر گز اینطور نبود ) خیرمر کز اینطور نبود سایر جاما هم همین مختاریات بود و بعدهن جهت کمیسیون توصیه ای از اینکه قانون انتخابات خیلی مدخلیت دارند از قبل جدول انتخابات که از ابتداء از روی یک ترتیب و تنظیم صحیح نوشته شده واشنده ای که این جدول را توشه اند اطلاعات کافی از اوضاع ایالات و ولایات شد که انتخابات بطوری که انتخاباتی که بعده بمنه بدنده نفوذ متنفذین مملکت مانع بوده بایستی بهتر شود نشده برای این که اینها در موقع خودش باید اصلاح شود عجال التعارف در این است که آیا باید برای انتخاب کنندگان علاوه بر شرطی که در قانون انتخابات هست چیز دیگری هم قید کرد یا خیر و عقبه بمنه این است که باید بک قیودی باشد

**رؤیس** — آقای حاج میرزا علیمحمد

**حاج شیخ اسدالله** — مخصوصاً

**حاج هیوز اعلیٰ محمد** — مامورین دولت آبادی — بمنه با ترتیبی که در نظام نامه انتخابات نوشته شده مخالفم و قیردی علاوه معتقدم رؤیس — آقای گرویس (اجازه نطق)

**حاج شیخ اسدالله** — گرویس — تصور میکنم قانون انتخابات نمایندگان مجلس مقدم بوجود مجلس است زیرا بواسطه او مجلس تشکیل می باید و برای اصلاح آن هیئت دیگری لازم است سبب بشد که این دوره زیادی از آن اشخاص را که در تحت اراده و فرمان آنها هستند باراده خودشان جلب کنندورای بدهند این دو سبب همde بود که انتخابات آنطور که منظور بود واقع نمی شد — اگر چه

زیرا اشخاصی هستند که سواد ندارند و نوکر یا کاسب یا مستخدمند ولی معنی انتخاب را می فهمند و رایی می دهند و اینکه انتخاب را این فهمند ایست که انتخابات باید بواسطه اشخاصی که اساساً معنی انتخاب را این فهمند محدود بشود زیرا اسباب زحمت آنهاست مانع توانیم اهالی تمام کوده دهات ایران را در انتخابات شرکت دهیم و از طرف دیگر هم متفاوت باشیم انتخابات بسرعت انجام بیا بمنه در یک قسمت با آقای مدرس مذاکره کردم و ایشان هقیقه داشتند که برای قراء و قصاصات داشتن سواد شرط بشود ولی برای اهالی شهرها این شرط نشود این عقبه ایشان بود و بعضی هقیقه دارند که باید حرفة و پیشه را مبلغ مالیات هم علاوه شود تا اشخاصی که حقیقتاً معنی انتخاب را نمی فهمند و مشارکت آنها باعث فساد انتخابات میشود مداخله نداشته باشند خلاصه عمل اینکه کمیسیون توصیه ای اند از نکرد بواسطه همین مختاریات بود و بعدهن جهت کمیسیون توصیه ای از اینکه انتخابات و امثال حکومت و مامورین دولت جلو گیری نمود بمنه می خواهند آرای زیاد داشته باشند

انتخابات خیلی طول می کشد و یک انتخابی که باید در فاصله پانزده روز تمام شود چهار ماه طول می کشد .

آقای وحیده املک فرمودند باید از دسیسه کاری در انتخابات و دخالت حکومت و مامورین دولت جلو گیری نمود بمنه می خواهند عرض کنم که قانون باید طوری نوشته شود که جلو گیری از مداخلات غیر صحیح این نوع اشخاص بنماید

البته حکومت یک مداخلاتی دارد ولی تمام خرابی انتخابات از اعمال حکومت و مامورین دولت نیست

حقی بمنه می توام عرض کنم که اگر جلو گیری حکومت نباشد ببعضی جاهای خود مردم بقیم دیگرند و بیشتر باعث انتقال و بخلافه جریان انتخابات می شوند .

امروزه مامنی توانیم بگوییم حکومت دخالت در امر انتخابات نکند و خود مردم مداخله کنند در نتیجه تجربیانی که بمنه کرده ام تصور می کنم غالب این دسیسه ها و اعمال نفوذ ها بمنی بر همین اساس است

که هر ض کردم و بهمین جویت بود ما در کمیسیون نتوانستیم یک ترتیب مسلمی را اتخاذ کنیم آقایانی هم که قائل بجهدین بودند این معاشر را تصدیق کردن و اینکه آقایان وحیده املک و قبیل الملک فرمودند نهانی توانیم رو به عقب بر ویم صحیح است ولی وقتی انسان یک قدمی برداشت و در ضمن هم دیده مضر احت

ضرر ندارد و قدم خودش را تقویت بدهد تمام قوانین از ابتدای قوانین کاملی نبوده اند بالته در تأویل یک معاشری از آنها پیدا شده مثل اینکه الان هم مادره میان قانون انتخابات می بینیم و اگر بخواهیم سرعت جریان انتخابات در کار باشد و ایام فترت و بحران بیش نباید باید در قانون اصلاحاتی بشود

بعضی از آقایان اظهار این می فرمودند از قبیل اینکه انتخابات باشخاص با سواد محدود شود که مکلف اینکه این زویه متصاص بجاشد

است مابین مجلس شورای ملی و دولت البته محتاج بندگانیست که با اوضاع فعلی اتخاذ خط مشی معروضه باید با مطالعه و باسنجش وسائل موجوده مملکت در نظر گرفتن صالح عمومی باشد

نیاید فراموش کرد که خوب و بد مملکت متوجه هم بوده و در مسئولیت پیش آمد هاهمه شریک و سهیم میباشد

برای اینکه دولت بتواند در مسائل مهمه مملکتی با ملاحظه اوضاع حکومی تصمیمات مقتضی اتخاذ بسکنند لازم است چنانکه در فوق گفته شد خط مشی ثابت تری اتخاذ شود و بنظر دولت چنین میرسد که این خط مشی باید با موافقت نمایندگان معتبر اتخاذ و تعقیب کردد و چون لازم است که برای پیش بینی آتیه در روش مسائل مملکتی و در چربان های فعلی اطراف کار سنجیده شده و مطالعات عمیقه از طرفین بعمل آیده

ازا مطابق اصلی و چهارم قانون اساسی مجلس شورای ملی تقاضامی شود که کمیرون مرکب از دوازده نفر نمایندگان محترم انتخاب شود که با دولت داخل مطالعه و تبادل نظر شد خط مشی آتیه مملکت و تهیه موجبات اصلاحات لازمه باسنجیدن اطراف سکار مبنی گردد

که باز تبادل نظر و سایر نمایندگان محترم بواقع اجرا گذارده شده و موجبات وحدت عدایات مجلس شورای ملی و دولت پیش از پیش فرام آیده رئیس آقایان مایل هستند که جزو دستور امشب باشد یا حزو دستور روز شنبه

بعضی از نمایندگان گفتند جزو دستور روز شنبه باشد رئیس — نظر هیئت دولت را برسیده

رئیس وزارتخانه استدهما میگنم اگر ممکن است همین امشب مطرح شود امشب هم انتخاب مکمپسیون بعمل آیده

رئیس آقای فتح الدوّله (اجازه)

فتح الدوّله بمقیده بندگان فتح الدوّله موافق نباید جزو دستور باشد زیرا مطابق قانون اساسی دولت یک کمپسیونی تقاضا کرده و باید انتخاب شود دیگر محتاج نبست که در مجلس مطرح شود و در این باب مذاکراتی بعمل آیده رئیس آقای ملک الشعراه (اجازه نقط)

ملک الشعراه — مقیده بندگان موافق اظهار آقای فتح الدوّله است به وجہ

اعم از اینکه تجاوز بهمال یا حقوق ملی یا ناموس شده باشد نبود ما باید ظالم باشیم بلکه باید رفع ظلم را بگنیم و تعقیبه بندگان است که اگر ما انتخابات را محدود کنیم نسبت بافرد مملکت ظلم کردیم رئیس وزراء — لایجه مجلس قدمیم شد است استدهما میگنم قرائت شود آقای امیر ناصر بمضمون ذیل

#### قرائت نمودند

مقام مختار مجلس مقدس شورای ملی شبدالله ارجمند در بدو تشكیل کاینه حاضر در مجلس اظهار کرد که دولت همان پرگرام مصوبه مجلس را تعقب و مواد آنرا مندرجہ بموقع اجرا خواهد کذاشت در اینمدت دو ماه واندی همی دولت مصروف بهمین مطلب بوده است در اینظریق از طرف دولت اقداماتی به عمل آمده است که در موقع خود پس از بدهست آمدن نتیجه قطعی بعرض مجلس شورای ملی میرسد همچنین در باب اصلاح ادارات چه بوسیله حلب مستخدمین خارجی که دولت مشغول تهیه کردن موجبات آن میباشد و چه بوسیله تقلیل بودجه هایدات ولایه انجام است از قبیل بودجه در حدود اتفاقات مصوبه پیشنهاد اوایع قانونی به مجلس اقدامات مقتضیه را کرده و بعضی مسائل در دست انجام باختصار انتقالی که نتیجه آن فریبا به مجلس هر ضرر خواهد شد تعقیب مسئله امتیاز فقط شمال و اقدامات مقتضیه در باز کردن بازارهای تجارتی برای امتعه داخلی و مسئله ترانزیت و تجارت وسائل حمل و نقل و مطالعات لازمه برای بستن مقاولات تعاونی مسائلی است که دولت حاضره در باب آنها اقدام کرده امیدوار است همکه با مساعدت دول مربوطه موقبیت حاصل شود

بنابر آنچه در فوق گفته شد خط مشی دولت معین بوده اگر مقتضیات خاص نبود تصدیق نمایندگان محترم نمی شد ولی اوضاع عومو و ازدم اصلاحات اساسی داخلی در مملکت ملاحظه نظر عومو ملاحظه بیکاری و برشانی مردم ملاحظه تعقیب اصلاحات شروع شده و تعیین مقدرات مملکت در آتیه اتخاذ خط مشی ثابت تری را فعلاً الزام می شد

البته موثر ترین عامل اصلاحات ایجاد روح سلامت و محبت در مردم تشویق هموم بیکار و مشی هم بطرف اصلاحات عام

المنفعه است این مقصود بزر مپسر نخواهد شد مگر بوسیله وحدت نظر که باید ماین مجلس شورای ملی و دولت حاصل شده و هر دو هادی افکارهای مرمی گردد

بنابر این لازمترین چیزی که بمنظور می آید تعیین و تعقیب خط مشی واحدی

قسم از تعیید بود بعضی ها هم فرمودند حق انتخابات را بشهرها و قصبات بهمی اعم از اینکه دارای سواد باشند یا نباشند و بدهات سواد را شرط نکنیم کمان میگنم مقصودشان این است که اهالی دهات کلبه از انتخابات محروم شوند زیرا آنها بی سوادند همانها هستند که نا بحال طرف توچه و نظر دولت نشده اند و از تمام حقوق محروم هستند مخصوصاً از معارف بی بهره مانده اند در اینصورت ما باید راضی شویم که از طرف مجلس شورای ملی ظلمی باها وارد شود یا حق مدنی آنها را سلب کنیم بندگان هبج و لاح نمیدانم که این شرط در قانون انتخابات ذکر شود حالا بعد از اینکه نشوف نتیجه تعیید ذکر شد بندگان هستند که اینکه انتخاب شود در حالتیکه افراد ملت از آن انتخاب بکلی بی خبرند و هبج معتقد باو نیستند در اینصورت نمیتوانند تصدیق کنند امتناع ملی است قسم دیگر برای تعیید ممکن است تصور حکرد سرمهای است که بینهم هر کس دارای چه قدر سرمایه است و چقدر مالیات میدهد باو حق انتخاب بدهیم این راهم گمان میگنم هبج یک از آقایان نمایندگان تصدیق نمیگند که سرمایه در حقوق ملیت قاتری داشته باشد تمام افراد مملکت در مقابل حقوق ملی خود باید مساوی باشند این را هم نمیتوان قبول کرد قسم دیگر از تعیید که نزدیک تر به حقیقت است سواد است بلی سواد خوب است اما برای مملکتی که نصف یا ثلث یا ربع یا افلا خمس آن با سواد یا شد اما متأسفانه بواسطه اینکه وضعیات مملکت ما خوب نبود تصور نمیگنم هزار یک از افراد این مملکت هم با سواد نباخند و با این وضع اگر یک انتخاباتی بشود انتخابات ملی نیست و ملت ایران آن نماینده را نماینده خود نمیداند این هم بمنظور منبعده می آید و در یک مملکتی که تا بعد از وسائل تحصیل اهالی آن فرام نبوده و یا بواسطه فصور و تصریح اهالی دارای سواد نشده اند نمیتوانند این سواد را دلیل بر محرومیت حقوق ملی و مدنی برای افراد مملکت دانست البته سواد مزیت و شرافتی است برای بشر ولی آن شرافت بجای خود معقوظ است و نمیتوان سلسل حقوق اندامانی بی سواد را خصوصاً در مملکتی که اکثریت آن بی سواد است نمود برای اینکه این بیچاره ها تصریحی نگردد اند زیرا نه دولتی بوده است که وسائل تحصیل انشان را فرام نمیگند کنند نه معارف ترتیبات صعبی داشته ابته باید سعی کرد که معارف در این مملکت توسعه پیدا کند تا افراد این مملکت بحقوق خود بی بزند ولی نمیشود سواد را شرط قرارداد ممکن است در یک مملکتی که نصف با ثلث اهالی آن دارای سواد هستند این تعیید داشت اما امروز بندگان تصوری کنم که اگر شواد را شرط قرار دهیم ظلمی است که نسبت با افراد مملکت کرده ایم این هم یک

تات می‌کند که این بیاناتی نه در اینجاشد موافق با مقصد نیست مطلب خیلی ساده است و آن این است گفته شد دولت برای تبادل نظر در مسائل مملکتی و انتخاب خط مشی لازم می‌داند قبل و بعد نظر کامل خودش را با مجلس تامین کند و برای این کار کمیسیون تبادل نظر را دولت تقاضا می‌کند و می‌گویند من با دوازده نفر از نمایندگان می‌نشینم و مسائلی را طرح می‌کنم و تصمیماتی را که باشر کت کمیسیون انتخاب کرد به مجلس می‌آورم و پس از تصویب نمایندگان یافع اجرا می‌گذارم این خلاصه تقاضای دولت است و اگر بتمام سابقه ها رجوع بفرمایید مکرر در مکرر دولتهای مختلفه از مجالس مختلف این تقاضا را کرده اند و مجلس هم انتخاب کرده این حق مشروع دولت است و هیچ یک از نمایندگان در این حق مشروع دولت نمی‌تواند تردید کند و بنابراین دولت می‌تواند انتخاب چنین کمیسیونی را از مجلس تقاضا کند و این کمیسیون باید از طرف خود مجلس انتخاب شود بهمن ترتیب که سایر کمیسیونها انتخاب می‌شود اصلاح‌گاهی شده فکر اسباب اشکال می‌شود اگر اصل سی و چهارم در این این نماییدگان تصویر می‌کنم هیچ یک از این اشکالات پیش نماید، دولت تقاضا می‌کند مجلس شورای اسلامی یک کمیسیون دوازده نفری انتخاب کند و تقاضا می‌کند در همین جلسه انتخاب بعمل آید. زیرا مسائل لازمه هست که باید مطرح شود و تیجه مطالعات دولت و کمیسیون به مجلس می‌آید مسئله خیلی ساده است و بنده آقای ملک الشراهه نبایستی این کمیسیون را مجلس انتخاب کند زیرا صریحاً می‌گوید این جمیعت مرکب از عده منتخبدین از اعضای مجلس تشکیل بدهد عده منتخبدین از اعضای مجلس انتخاب کند فاعل این عمل رئیس مجلس است و رئیس مجلس می‌تواند این جمیعت خصوصی تشکیل بدهد منتهی در قانون اساسی جلسه خصوصی بعنوان مجلس محترم و کمیسیون بعنوان این جمیعت نوشته شده است و بوجای این ماده رئیس مجلس می‌تواند بر حسب خواهش یک وزیر یاده نفر از نمایندگان کمیسیون را خودش درین و کلا انتخاب و اختیار کند که آن هده بروند و با شخص رئیس یا بهشت دولت بشنیدند منتهی کرده کنندولی تیجه مذاکره این جمیعت مطرح می‌شود این ماده در جلسه خصوصی باحضور سیزده نمایندگان مطابق با مطالعه این داده انتخاب بعمل آید و اگر محتاج بهتر است زیرا می‌توانیم در اطراف آن نظری کرده باشیم و همچنین یک مطالعه در این ماده قانون اساسی چه بوده و از روی یک دقت نظری این مسئله را تصدیق و استقبال کنیم.

**وکیل‌السلطان** — بنده سؤال داشتم، رئیس — بفرمائید.  
وکیل‌السلطان — از ماده سی و اعلام می‌شود.  
رئیس — روز شنبه اعلام می‌شود، این مسئله ختم است.  
**آقامیرزا محمد نجفی** — خوب است ماده سی و چهارم قانون اساسی اینطور استنبط ام بسود که هر وقت دولت کاری داشته باشد می‌تواند یک کمیسیون از مجلس شورای ملی بخواهد انتخاب شود حالا این کمیسیون که دولت بخواهد برای یک دفعه است با برای مدت معینی است و همچنین معلوم نیست این کمیسیون برای چند وقت است آیا برای پیک دفعه است یا برای یکماه و دو ماه یا سه ماه اگر برای یکدفعه است تصویب می‌کنم موافق اصل سی و چهارم قانون اساسی باشد.  
ولی اگر بطور مطلق باشد باشد معلوم شود در هر حال خوب است آقایان مدت را معین بفرمائید.

**رئیس وزرا** — نمی‌شود برای آن مدت معین کرد انتخاب این کمیسیون برای مطالعات در یک مطالعه است شاید یازده و وز خاتمه یهدا کنند شاید یکماه یا بیشتر طول بکشد و این تیجه آن مطالعات هم مجلس شورای ملی خواهد شد مقصود دولت معلوم می‌شود و آن نیست که یک مطالعه اش البته مجلس عرضه خواهد شد و تمام آقایان نمایندگان مطالعه خواهند شد مقصود این نیست که دولت بخواهد بایک کمیسیون دوازده نفری بدون اطلاع مجلس کاری بکند.

**رئیس** — آقای حائری زاده (اجازه)  
**حائری زاده** — بنده در اظهار آقای رئیس وزراء عرضی ندارم ولی عقیده شخصی خودم اینست که لازم نیست ما در مجلس مذاکره کنیم و رأی بدیم.  
**رئیس** — آقای کازرانی و مستشار السلطنه موافقند؟  
**مستشار السلطنه** — بنده موافقم.

**رئیس** — آقای کازرانی چطور؟  
**آقامیرزا علی کارزانی** — بعده اینه اگر برای جلسه آتیه تأخیر بیفتد بهتر است زیرا می‌توانیم در اطراف آن نظری کرده باشیم و همچنین یک مطالعه در این ماده قانون اساسی چه بوده و از روی یک دقت نظری این مسئله را تصدیق و استقبال کنیم.  
**رئیس** — آقای سبلیمان میرزا (اجازه)  
**آقامیرزا علی** — بنده با فرمایش آقای کازرانی موافقم.

**رئیس** — آقای سبلیمان میرزا موافقند؟  
**سلیمان میرزا** — موافقم با اینکه امشب انتخاب بشود.  
**رئیس** — آقای اقبال السلطنه

— اهدرسید و باید هم همین طور اشدولی ممکن است بواسطه پلتک استئار سوه تأثیری در اذهان عمومی ایجاد شود بنده بهترمی داشتم که دولت نظریات خود را با شب بشب در مجلس علنی اظهار کند یا یک پرگرام جامعی تهیه کنم و بعرض مجلس به رسانند در هر صورت بنده از نقطه نظر خودم شایسته نمیدانم بعد از چندمه که انتخاب هیئت دولت گذشته رأی بدhem که دولت یک کمیسیون معین کند و خلمنشی خود را کآن کمیسیون تعیین می نماید و آن کمیسیون شرکت در مسوالت دولت بکند قانون اساسی مناسبات مجلس و دولت را مین کرده است و مدنها است که ما انتظار داشتیم که دولت خط مشی روشنی انتخاب بکند حالا چطور می شود بعد از مدت‌ها انتظار پیشیم نازه یک کمیسیون انتخاب کنیم که خط مشی دولت در آنجا مین شود.

بنده چه از نقطه نظر سوه تأثیر سیاست استئار و چه از نقطه نظر دیگر با این لایحه مخالفم و صلاح نمیدانم مجلس این کمیسیون را انتخاب نماید

رئيس - آقای سليمان میرزا  
(اجازه)

سلیمان میرزا - بنده در اول خیال می‌کرم مطلب بقدیم واضح است که وقتی این مطلب شروع شد بلا قاصمه شروع با انتخاب خواهیم کرد بعد دیدم عبارات فریبی گفته شد بنده خیال کرم شاید خودم بطن الانتقال هستم و ملتفت نمی‌شوم و شاید عبارات لایحه را درست نفهمیده ام اولا بعضی‌ها وحشت می‌کنند که پس از انتخاب این کمیسیون ماشیک در سیاست دولت می‌شویم چیز غریبی است البته ما با دولت در سیاست او شریک هستیم، مادام که دولت طرف اعتماد و اتفاق یا اکثریت مجلس شد ولو یک رای زیاد تر مدام که آن یک رای زیادی را دارد و اکثریت مجلس با رای داده شریک در سیاست او هستند این چه وحشتی است خواه کمیسیون معین بفرمایند خواه معین نفرمایند تا وقتی که ورقه‌های آبی از جیب‌های مبارک بیرون نیامده مسئول سیاست دولت هستید و هر ساعتی که می‌باید مبارک آقایان اقتضا می‌کند و سیاست دولت را صحیح نمیداند آن ورقه آبی را از جیب در می‌اورند ولی تا موقعی که آن ورقه‌های آبی در ظرف رای اندافته نشده با دولت در سیاست شریک هستند. حالا آمدیم در سر مسئله کمیسیون دولت چه می‌خواهد می‌خواهد یک مشاوره بکند همه شکایات ما از دولتها اینست که مطابق قانون اساسی یا قوانین جاریه سیاستش با

خوب این چه اشکالی دارد؟ اینکه اشتراک در سیاست دولت نیست  
(گفته شد صحیح است)

تصور می‌کنم تمسک با اصل سی و چهار قانون اساسی هم فقط از نقطه نظر این بوده که می‌خواسته بگویید دولت مطابق این اصل حق دارد تقاضای کمیسیونی از مجلس بسکند، اما اینکه این کمیسیون از طرف رئیس مجلس انتخاب بشود یا از طرف وکلا بنده تصور می‌کنم اگر بعبارت قانون اساسی ملاحظه بفرمایند خواهید دید که مطلق است و می‌گوید رئیس مجلس میتواند انجمنی محروم مرکب از عده منتخبی از اعضاء مجلس تشکیل بدهد بجای منتخب (انتخاب شده میکناریم و می‌گوییم مرکب از عده انتخاب شده در اعضا مجلس اما انتخاب گذشته کی باشد هم می‌تواند رئیس مجلس باشد هم کسی دیگر فقط رئیس تشکیل جلسه را بدهد و فرقی نمی‌کند هم خود رئیس می‌تواند انتخاب گذشته هم مجلس زیرا عبارت متعلق است و تا این اندازه تصور می‌کنم فابل مذاکره نباشد و اشکالی ندارد

رئيس - آقای مملک الشعراه  
(اجازه)

ملک الشعراه - بنده حالا صرف نظر می‌کنم از اینکه آیا این اهل اجازه می‌دهد باشند مجلس این انتخاب را بسکند یا اجازه نمیدهد. اما اینکه سابقه حق این تقاضا را با دولت داده است بیانداده بنده اساساً اعتراض می‌کنم با این عبارتی که در لایحه دولت ذکر شده و می‌نویسد که دولت برای تعیین خط مشی خود می‌خواهد یا یک کمیسیون منتخبی از از مجلس تبادل نظر و مسودت گذشته و اساساً مخالف با این لایحه و این کمیسیون هستم و چون تصور کرم که می‌خواهند از طرف مجلس انتخاب گذشته بیشنهاد کردم که مطابق صریح اصل سی و چهار قانون اساسی خود آقای رئیس انتخاب کنم و بعد اینکه انتخاب شود حکم این اشکال می‌کند و قدری از آقایان اشکال می‌گذرد و هم‌مایند شریک در سیاست و در مسئولیت دولت شاید دوسره نفر می‌گفتند بماند برای روز شنبه ولی حالا که این موضوعات در پیش آمد معلوم می‌شود یک موضعی است که تازه در مجلس پی‌داشده است بنده که نظر بقاون مه، کنم می‌بینم این مسئله بطبعی به قانون اساسی ندارد که دولت کمیسیونی از مجلس بخواهد تاخته مشتی خود را مینماید کند و این یک چیز تازه است و مجلس نباید خط مشتی دولت معلوم کند دولت باید خودش ...

و گمان می‌کنم هیچ اشکالی در پیش نباشد. رئیس - آقای سیدبدالملک  
(اجازه)

سیدبدالملک - آقای سردار معظم اظهار داشتند که قانون اساسی معین می‌کند که باید از مجلس این کمیسیون انتخاب بشود در حالتیکه اینطور نیست بنده حالا اصل ۴۳ را می‌خواهم و در آنجا تصریح دارد که این انتخاب از مختصات رئیس مجلس است؛ این است؛ رئیس مجلس میتواند بر حسب لزوم شخصی یا بخواهش ده نفر از اعضاء مجلس (یعنی باز رئیس مجلس می‌تواند) یا وزیری اجلاس محترمانه بدون حضور رئیس می‌شود و نهاده با آقای مملک الشعراه موافق و اکر کمیسیونی است برای مشاوره برای اینکه زمینه اصلاحات را حاضر کند و مجلس شریک مسئولیت دولت نیست و دولت رفع مسوالت از خود نکرده و در مقابل مجلس مسئول است بنده موافق رئیس - آقای سید محمد باقر دست غیر

(اجازه)

آقا سید محمد باقر

معلوم می‌شود این مسئله غیراز اصل ۴۳ قانون اساسی است و این مسئله تازه می‌خواهد در مجلس یک چیزی بشود، اکر می‌فرماید در این مجلس سابقه داشته آنرا پذیره خبر ندارم ولی این انتخاب اگر غیراز مسئله اصل سی و چهار قانون اساسی است یک چیزی است که مجبوری ندارد که مملک الشعراه انتخاب کنم و همانطور که آقای وزیر عدلیه فرمودند سابقه هم دارد که مجلس جمعی را انتخاب می‌کردیا از فرآکمیونها انتخاب می‌کردند و با دولت مشاوره می‌کردند و در بعضی مطالبات مطلعه می‌نودند این هیچ چیزی ندارد از آقایان اشکال می‌گذرد و هم‌مایند شریک در سیاست و در مسئولیت دولت شاید دوسره نفر می‌گفتند بماند برای روز شنبه ولی حالا که این موضوعات در پیش آمد معلوم می‌شود یک موضعی است که تازه در مجلس پی‌داشده است بنده که نظر بقاون مه، کنم می‌بینم این مسئله بطبعی به قانون اساسی ندارد که دولت کمیسیونی از مجلس بخواهد تاخته مشتی خود را مینماید کند و این یک چیز تازه است و مجلس نباید خط مشتی دولت معلوم کند دولت باید خودش ...

(بعضی گفته شده اینطور نیست)  
آقا سید محمد باقر - التفات

آقای سید محمد باقر

کنم دولت باید خط مشتی خود را خودش مینماید کمیسیونی از مجلس بخواهد نه اینکه کمیسیونی از مجلس معین کنم و با نظریات آن کمیسیون خط مشتی دولت معین بشود بعضی از اذهان مشوب بشود که دولت می‌خواهد که دولت را در مسئولیت خود شریک سازد بنده هرچند می‌کنم در تمام دنیا معمول است که دولت خط مستقیم خود را روی کاغذ می‌آورد و مجلس می‌دهد

تلیون - بعضی از آقایان گویید است بلایحه که از طرف دولت فرائت شد) اتفاق خودش را شب بشب لایحه مجلس بدهد و در مجلس علنی مذاکره شده بار داشتند و باز همان روز انتخاب یا نهاده آنچه بحث شد دوست داری داشتند که می‌خواهند یک قدمی بردارند که اسم آنرا بین اینکه کنم و کمالاً می‌دانند این روز از خود را معرفی شوند خط مشی خود را هم معین می‌گردند که اینکه این روز از خود را معرفی شوند خط مشی خود را هم معین می‌گردند و بعد تیجه‌اش را بعرض مجلس مینمایند و پس از تصویب مجلس بوضع اجرابگذارند





(اجازه)

**آقای میرزا محمد باقر دست غیب**

بنده با آن علاوه که به قام سلطنت دارم همه گونه احترامات و همه قسم شئونات را برای مقام سلطنت خصوصاً از طرف مجلس شورای ملی لازم می دانم با این حال عرض میکنم اگرچه بعد از اینکه در کلیات رأی گرفته شد و تصویب شد دیگر نمیتوانم عرض کنم که مقام سلطنت کابینه لازم ندارد ولی عرض می کنم البته آقایان بخوبی می دانند کنایه اندازه مملکت دچار فلات است و بدینجه است و بیشتر این فلات است و بدینجه بوسطه بی بولی است معلوم است که مملکت بمثیله یک خانه است خانه وقتی دچار فلات است و بدینجه است اول کسی که باید ملاحظه احتیاجات آن خانه را بگذرد و بیشتر مواظب حفظ خانه باشد رئیس و بزرگ آن خانه است رئیس خانه در مقام محافظت و مواظبت خانه مسئولیت بیشتر است ولی این که این مثل مطابق باعثیل است بست برای اینکه مقام سلطنت رئیس مسئولیت ندارد ولی دو جملاتی که عرض کردم مقصودم ریاست بود سلطان این مملکت است او بیشتر باید ملاحظه صحف و بدینجه است او بیشتر را بگذرد پس اول او باید از خروج خودش بگاهد یعنی از شئونات خودش بگاهد تا این که مملکت باقی بماند.

(گفتاش خیر خیر این طور نیست)

التفات بفرمایید — التفات بفرمایید باز سوء تفاهم شد عرضم از شئونات آن چیزهایی است که جز تحمل ظاهری فایده دیگر ندارد در مقام مثل عرض می کنم مثل اگر مقام سلطنت همچو حس بگذرد که منصف مملکت از راه بی بولی است (والبته حس کرده است) آنوقت بگردید من چهار نفر منشی یا چهار نفر مترجم لازم ندارم بروید یک منشی کم خرجی برای من پیدا کنید که هم روسی و همانگلایی و هم فرانسه بداند وقتی که مقام سلطنت خروج خودرا کم کرد مردمهم کم کم آشنا میشوند و خروج خودشان را کم می کنند وعادت می نمایند که تحملات بیجا را از میان خودشان کم کنند این است که بنده مخالف با اصل کابینه سلطنتی هستم.

**رئیس — مقصودشان از لفظ شئونات که فرمودند معنی معمول به نبوده کویا مقصوده از معنی فلسفی بوده است.**

**وزیر عدلیه — آقای نماینده معترض دعوت فرمودند باینکه اعلیحضرت سرمشی بشونه از برای سایرین البته اعلیحضرت هم بیشتر متشق بوده اند ولی می خواستم خاطر آفارا مستحضر کنم که اعلیحضرت همایونی از پارسال این اقدام را فرموده اند و این رویه را نشان داده اند زیرا بودجه اعلیحضرت که سایرها بایستی چهل هزار تومن بوده خودشان امر فرمودند**

کمیسیون بودجه تصویب کرده است حداقلی است که برای یک کابینه سلطنتی ممکن بود تصویب شود در درجه اول هم خبلی زیاد تر بود که در مجلس هم تصویب نشد ورد شد دو مرتبه دولت یک مبلغی از آن بودجه کم کرد معنداً وقتی بکمیسیون آمد باز کمیسیون هم آنچه توانست از آن کسر کرد کم کرد و کلیه چهارده هزار و هفتاد و نه تن از کابینه سلطنتی تصویب کرد و قیس — در کلیات مذکورات کافی است با خبر

(بعضی گفتند کافی است)

**رئیس — آقای کازرانی**

(اجازه)

**آقای میرزا علی کازرانی** — آقای سردار مقام فرمودند که قانون اساسی اول است بقوای ننانه و باید آنها محترم شمرد بنده در مجلس تشکیم کسی برخلاف مقام سلطنت صحبتی بگذرد البته مقام سلطنت محترم است و ما همه حافظ و نگهبان آن بوده و هستیم (صحیح است) حرف اینجا است که امروز با این فقر و فقره که عموم مارا احاطه کرده است ما باید از مقام سلطنت بیش از علوم مردم تمنا و آرزو داشته باشیم که باما کمک بگذرد البته ما از اعلیحضرت یار و هر بان خودمان متوجه هستیم که حتی از کسیه فتوت خودشان هم با ما مساعدت بگزند آقای وزیر عدایه فرمودند که مقام سلطنت محتاج بکابینه میگواهد اعلیحضرت کابینه را برای چه میگیرد و بمشهد پیشوجه مسئله کابینه درین بود و باما کمک بگذرد البته ما از اعلیحضرت یار و هر بان خودمان متوجه هستیم که حتی از کسیه فتوت خودشان هم با ما مساعدت بگزند آقای وزیر عدایه فرمودند که مقام سلطنت محتاج بکابینه وریس کابینه و همایونی در صورتی که هیچ لازم دارد و هیچ کار رمز و غیر رمزی بایشان نباید وجود عشود نمیدانم دیگر کابینه برای همیشست؟ بنده هم عرض نمیکنم که هیچ هلتی وغیره برای اعلیحضرت لازم نیست، عرض میکنم بسیار از این افلام که در این لایحه ذکر شده است از کارهای شخصی محسوب میشود و ممکن است اعلیحضرت از کسیه فتوت خودشان مایه بگذرد و کمان نمیکنم امروزه ملت فترت داشته باشد که ما این مبلغ را هم با آنها تجمیل کنیم از این نتیجه بنده با بسیاری از موادش مخالفم.

(جمعی گفتند مذکورات کافی است)

**رئیس — معلوم میشود مذاکرات کافی است رأی میکیریم** که داخل در مواد بشویم آقایانی که تصویب میگزند داخل در شور مواد شویم قیام فرمایند (اکثر نماینده کان قیام نمودند)

**رئیس — تصویب شد از طرف** کمیسیون دوراً بورت داده شده است یکی رایبورت نمره ۲۶ و یکی نمره ۲۹ ماده اول در رایبورت نمره ۹۰ اصلاح شده است مبلغ ماده اول بایزده هزار شصده و چهل تومن است آقای دست فهب

احترامات مقام سلطنت که البته لازم است و با حفظ تمام مواد قانون اساسی بنده همایونی نمی دانم که مخالف باشم با بودجه کابینه سلطنت زیرا یک حقوق یعنی یک تقدیمی وحدیه که از طرف ملت با اعلیحضرت همایونی میشود با این فقر و فلاکتی که امروزه مردم دارند و تمام ادارات در حقیقت هستند (که هر روز ملاحظه میگردند) برای نرسیدن حقوق چه نشانها می آورند) اعلیحضرت همایونی که بدر تاجدار ما و تمام ایرانیها هستند و خواهند بود و کمال میل را دارند که فرزندان ایشان در کمال آسایش باشند و تصور می کنم اگر اعلیحضرت اینجا تشریف داشته باشند ممکن بود خصوصی خدمتشان شرف باب شد واستدعا کرد که این این نوزده هزار تومن بودجه کابینه سلطنتی که از طرف دولت پیشنهاد شده بود و بعد یازده هزار شصده و چهل تومن کمیسیون تصویب کرده است این را هم بسوان تقدیم بودجه صرف نظر فرمایند و البته ایشان هم با رأفت و معجبی که نسبت بایشان ملت دارند صرف نظر میگردند گذشت ازین سایقاً که این هدیه میگزند و مارا مجبور میگزند که دسته این را بطریق احباب دراز کنیم و از آنها قرض کنیم آنوقت بیاورید این بودجه ها را پر کنید بنده که هیچ عقبه بایشان موضع ندارم.

**رئیس — بفرمایید .****حاج میرزا عبد الوهاب — بنده هر رض میکنم که مقام سلطنت کابینه سلطنتی**

لازم ندارد زیرا مطابق قانون اساسی شخص سلطان هیچ مسئولیتی ندارد و با کسی هم طرف سوال و جواب نیست و اگر هم بخواهند با یکی از مفاخر ملافات و صحبت گشته باشند البته توسعه و زراء معتبر می گند در کارهای وزرای مسئول هستند یک مردم روسی و فرانسه و اندیکا تو دویس و مدیر دفتر برای شخص سلطان لازم نیست اینها چیزهایی است که مملکت را رو به فقر و پریشانی میگشند و مارا مجبور میگزند که دسته این را بطریق احباب دراز کنیم و از آنها قرض کنیم آنوقت بیاورید این بودجه ها را پر کنید بنده که هیچ عقبه بایشان موضع ندارم.

**رئیس — آقای محقق العلاماء**

(اجازه)

**محقق العلاماء — بنده قبل از چون در موضع محمدعلی میرزا و شخص سلطنت نسبت بحقوق آنها مخالف بودم دیدم از طرف یک عدد از نماینده کان محترم تا اندازه آنها حق میدهم هذا گره شد که شخصیت و اهمیت و هر رض سلطنت ایران اقتصاد دارد که اگر گاهی جزئی اسراف و فی الجمله تبدیل در مخارج بشود باید غضیین کرد بایشان مکدر شوند اینها خود اعلیحضرت از خودشان کابینه خودشان را اداره خواهند بودجه هم چون نداشتم کم کردیم این را هم بهمین عنوان که نماینده در آن رای ندهیم کمان ندارم اعلیحضرت همایونی هم از این مسئله مکدر شوند اینها خود اعلیحضرت از خودشان کابینه خودشان را اداره خواهند بود.**

**سپاهان سلطان و چهره — در بودجه**

اویله که از طرف مجلس دوم برای اعلیحضرت مینم شده بود و صورت جزء آن مجلس آمده و تصویب شده بود اعتبار کابینه سلطنتی در جزء آن صورت نبود یعنی در موقعی بود که ناصرالملک نایب السلطنه بود و بودجه متناسب سلطنت خارج از آن بود و یقین است از آن سن تاکنون هم خبلی تفاوت در مخارج پیدا شده یعنی مخارج سنجکن ترشد است و چنانچه ملاحظه فرموده اید کابینه سلطنتی هم در جزء بودجه مباحث سلطنت منظور شده بود حالاً هم نظر پاینکه مالیه مملکت وسعت ندارد و کمیسیون بودجه آن اندازه که توانسته است صرفه جویی کرده است و کمان میکنم این مبلغ را که

میرسد که تمام فقیر هستند و از آنجا استفاده می کنند آنجا هم فراش دارد پیشخدمت دارد سرایدار دارد پس باید بگوئیم که یک عدد بیکار شوند و بنده این مطلب را مقتضی نمیدانم.

**رئيس - در ماده اول مذاکرات کافی است**

( گفتند کافی است )

**رئيس - باید دای بگوییم آقایانی که ماده اول را تصویب می کنند قیام فرمایند .**

( عده کثیری قیام نمودند )

**رئيس - تصویب خدمه ماده دوم قرائت می شود**

( آقای منتصرالملک بحضور مدنی ذیل قرائت نمودند )

**ماده دوم - هفتصد و پیست توان خبر - این ماده دوم که در سال هفتصد و پیست توان است راجع باجزاء**

**جزء است**

**رئيس - آقای دست غیب**

( اجازه )

**آقای سید محمد باقر دست غیب -**

بنده بازهم در ماده دوم هرض می کنم این مبلغ زیاد است و باید یک قدری کسر کرد و راجع باطهار آقای حاج شیخ اسدالله واشاره آقای سردار معظم بنده دو جواب دارم یکی اینکه مجلس ضامن نیست که مال دیگران را گرفته و بیکارها بدهد و دیگر اینکه مجلس نمی خواهد بکمدد و از آن خوردن بیندازد زیرا همان طور که بیکار برای اعشه و گذران خود موظف است تهیه کار و شغل برای خودش بگنده مجلس هم موظف است از مشارج مملکت تا اندازه که ممکن است کسر کند مثل همین ماده دوم که بمعینه بنده باید مقداری از آن کسر کرد بنده که املا وجود کاینه سلطنتی را لازم نمیدانم ولی اگر آقایان می خواهند این ماده را تصویب گفته اند خوبست افلا مقداری از آن کسر کنند و اینکه فرمودند این هم مانند ادارات در این است این مسئله بهبوجوه و بطنی بادرات دولتی ندارد و مخصوص شخص سلطنت است مام از اهلیحضرت تقاضا ممکن شنخما مقداری تخفیف بدهند

**وزیر عدلیمه - باز یک مرتبه دیگر نظر آقایان را متوجه باین موضوع بگنم اما تصویر فرمودند این ماده دوم یک مبلغ خیلی زیادی است و تصویر تیکه فقط هزار از حقوق دویشخدمت و یک سرایدار است بعد از آنکه اساس مسئله تصویب شد و بعد از آنکه ماده یک یعنی وجود کاینه سلطنتی قبول شد آیا آنوقت میرفرمایند حقوق دویشخدمت و یک سرایدار در مدت سال تصویب نشود و بالغه از اینکه ما این دو پیشخدمت و یک سرایار را بیرون کنیم و آنوقت آنها احذف نمائیم آیا کسر بودجه اصلاح و جرایان خواهد**

این است که همان بودجه را که مجلس سوم تصویب کرده است یعنی ۵۰۹۲۶۳۵ خوارو ۹۰ من جنس تومن نقد و ۴۰۹۲۶۳۵ خوارو ۹۰ من جنس که یعنی قلم است همان بودجه در حق دربار سلطنتی و کاینه سلطنتی و شکارچی خانه و کاسکه خانه و شترخانه و فیل خانه و ولایته و منظور شده و من صحیح نمی داشم که بودجه کاینه جدا گانه تصویب شود

**رئيس - آذای حاج شیخ اسدالله**

( اجازه )

**حجاج شیخ اسدالله - تصویر می کنم مذاکرات اینی که آقای حاجی زاده فرمودند راجع بکیبات بودو در کلیات هم مجلس تصویب کرد که مذاکرات کافی است**

**حاجی زاده - در ماده اول مشود**

**در کلیات صحبت نمود**

حجاج شیخ اسدالله - بودجه دربار سلطنتی در مجلس دوم بگوییم بودجه راجع بکیبات چنانکه سابقاً مذاکره شد و آقایان فرمودند بودجه که لازم باشد همچنان که باشند در مطالعه شد و در موقع جلوس شاه یا رئیس جمهور وغیری یک بودجه تصویب شد بنده بتصویر اینکه مجلس سابق هم این مبلغ را تصویب کرده است بسکوت گذراند بودجه دربار سلطنتی مثل بودجه سایر وزارتانها نیست که لازم باشد همچنان که باشند در مجلس مطالعه شود و در موقع جلوس شاه یا رئیس جمهور همچو شهزاده شاهزاده از این بعله مردد هست که در مملکت ایران کدام یک از این دو اصل مرجع است ؟

اما یک چیز دیگری که باید در اینجا گفته شود و من الان می گویم این است که بنده شخصاً تا بحال مردد هستم که در مملکت ایران کدام یک از این دو اصل مرجع است ؟

آیا باید در مملکت همچو شهزاده تقلیل بودجه را قائل شد یعنی هی باید و هی باید و متحمل قطع کرد یا اینکه باید از برای کسانی هم کاملاً شناسان فقط از ادارات دولتی است برای آنها هم یک فکری بگنیم من تصویر میگنم کمنجصر آنچه بگذشت اینکه داشت در یک مملکتی که سرتاسر آن فقیر هستند مملکتی که دولت و مجلس مختلف است برای مردم کار بیندازند اگر اینکه یکی از مسائلی که باید جالب توجه باشد این است که در ضمن تقلیل بودجه باید سعی کنیم که مستخدمین جزو ادارات که اعماش آنها از همین حدود معنده است آنها را خارج نگذیم یا یک محل گذرانی برای آنها تهیه کنیم .

پس اینکه آقای دست غیب در ماده اول مخالفت می فرمایند معنی آن این است که دونفر منشی سه نفر باید یکنفر مترجمی کشايد تمام گذران آنها فقط از این محل باشد زیاد هستند و باید قطع شود والا نمایند گذران دخول در شوره مواد و ازوم اساس کاینه سلطنتی را تصویب کردن

**رئيس - آقای حاجی زاده**

( اجازه )

**حاجی زاده - بنده در آنوقتی که بودجه دربار سلطنتی مجلس آمد از آقای مخبر گوییم بودجه کشاوره ادنه نصرت الدواه بودند سوال کرد که ساقباً بودجه دربار سلطنتی چقدر بوده است ایشان فرمودند که قریب بهمین مبلغ بود که حالاً به مجلس آمده است بعد بنده صورت بودجه دربار سلطنتی را که در تاریخ سوم جمادی الآخر ۱۳۲۹ از مجلس گذشت است تحمیل کردم در آنوقت بودجه دربار سلطنت حقوق و لایحه مجموعه ۵۰۹۲۶۳۵ تومن**

اما تطبیق با آنچه که مجلس دوم تصویب کرده است با این اشاره خرجی که نسبت باشخاص و مملکت بیش آمده است بگذران از حقوق کسر کند و از نچه اضافه شده است به این نظر آنها را کسر کند بنده هر ضمیری کنم که بودجه کسر ندارد و تمام این کسور همان خواهد داشت شد .

اما تطبیق با آنچه که مجلس دوم تصویب کرده است با این اشاره خرجی که نسبت باشخاص و مملکت بیش آمده است بگذران از حقوق قطع کردن و کم کردن را من مناسب نمیدانم باخصوص که یک عده اشخاص هم بیکار می شوند حالاً می فرمایند که کاینه هم ببر بودجه سلطنتی تعییل و ضمیری شود و از بودجه سلطنتی آنچا را منظور کند هر ضمیری که اینطوره قبیله ندارم عقیده ام

است مجلس کاردیکری هم دارد  
رئیس — آقای محمد هاشم میرزا  
چه فرمودید؟  
د محمد هاشم میرزا — عرض کرد  
چون امور و قوانین مهمتر دیگری هم در  
پیش داریم لذا مذاکرات در این جزئی  
بعقیده بنده کافی است  
رئیس — رای میگیریم بماده سوم  
آقایانی که این ماده را تصویب میفرمایند  
قیام نمایند

(عده کثیری قیام نمودند)

رئیس — تصویب شد رای میگیریم  
بکیه لا یاره ...

**حائزیزاده** — باوره باید رأی  
گرفت.

رئیس — گفتم باقیام و قمود رأی  
میگیریم آقای حاج شیخ اسدالله  
(اجازه)

**حاج شیخ اسدالله** — نظریات

بنده همان است که عرض کرم ولی حالا  
هم یک تذکری می دهم چون پیشنهادی که  
اخیراً بکمیسیون بودجه رسیده بود در  
آنچه صورت اسامی اعضاء را معین کرده  
بودند و اینطور صورت داده بودند که این  
اشخاص معین با حقوق معین دارای فلان  
مقام مخصوص هستند در کمیسیون بنده عرض  
کردم این صورت را به مجلس بردا و رسید  
دادن صحیح و مناسب نیست زیرا مابرای  
اشخاص شهریه تصویب نمی کنیم بلکه ماقبل  
بودجه برای مقام تصویب می کنم اگر  
اشخاصی که فعلا در آنجا هستند تغییر کنند  
و دیگری را بجای آنها آورند ودارای آن  
مقام شوند باید این حقوق با نهاده شود  
نه اینکه برای اشخاص معین حقوق برقرار  
شود این بود که اسامی اشخاص حذف شد  
و رایورتی که تقديم مجلس شده است شامل  
ذکر اسامی اشخاص نیست حالا هم عرض  
می کنم نباید مجلس نظری

تصورت اسامی اشخاص داشته باشد زیرا  
ممکن است بعضی از اشخاص که در این  
پیشنهاد تصریح شده امروز یک مأموریتی ای  
خارجی بیندازند باشد و بجهای دیگر  
رفته باشد و اینها را باید دربار یا کاینه  
سلطنتی یا هر کس که مسئول و متصدی  
این خرج است معین کند زیرا ممکن است  
بعضی از این اسامی مختلف از قبیل مترجم  
روسی و مترجم انگلیسی و فرانسه و غیره  
که در صورت پیشنهادی ذکر و قید شده  
امروز دیگر وجود نداشته باشد همه این  
مراتب را باید وزارت دربار معین و معلوم  
کند این شرح را عرض کردم که مطلب  
واضع باشد زیرا این نان خانه برای اشخاص  
نیست بلکه یک حقوقی است برای مقام نه  
اینکه بعضی ها باین عنوان از وزارت  
دربار یا کاینه سلطنتی پول بگیرند و  
در خارج برای خودشان کارهای دیگر

بالاخره دیدم از اینکه یکمده بیکار درست  
 بشود کار بودجه اصلاح نخواهد شد ماز  
چند کانی کوتاه نمایند بلکه بیشتر نظرم  
کرده ایم نمی توانیم برآیم چهار سه باینکه  
یکمده دیگر را خارج کنیم ماباید برای  
اعاشه و گذران مردم تهیه کار کنیم زیرا  
آنها هم در این مملکت حق حیات دارند  
میفرمایند اهلی محضرت همایونی خوب است  
به قضا انصاف این مخارج را از کسی  
مبارک خودشان نادیه فرمایند  
بسیار خوب اگر نخواستند این مخارج  
را بدینند آنوقت تکلیف آن بیچاره اعضا  
و اجزاء چیست؟ بعلاوه مادام که ما معتقد  
بیقای سلطنت و معتقد بقسمی که در حفظ  
قانون اساسی خود را بایم هستیم و تا وقتی  
که مقام سلطنت بران را فوج خود باقی است  
آن مقام محترم است و وقتی محترم شد  
البته باید به اوزامانی که لازم دارد معتقد  
شده مثلا خرج آبدارخانه آیامشود بثبت  
یا ضباط گفت تو بیا از صبن تا هصرانجای  
بنشین ولی یک فوجان چائی بخورد؟ یا به  
منشی گفت چون اهلی محضرت بشیران تشریف  
برده اند توهم یا زیاده بشمیان برو با  
باسی توان شهریه که داری خودت متحمل  
کرایه در شکه یا الاغ شو؟ اینها هلت  
است باید قدری وضعیت مملکت را هم در  
نظر گرفت هیچ در نظر دارید از بیرون  
کردن این اجزاء از ادارات چه وضعیتی  
ایجاد شده.

ما باید اینها را هم در نظر بگیریم  
بنده عقیده دارم اگر عایدات امروزه مملکت  
تعت کنترل و تفتیش در آید و کامل اجمع  
آوری شود نه بیکارها صاحب کار خواهند  
شد و لازم هم نیست چیزی سر کنیم  
و لا از اینکه یک شاهی از این دوشاهی از  
آن بنوان تقلیل بودجه کسر کنیم ولی  
از آن طرف عایدات ما در سیاه چالها رفته  
و بیرون نباید بودجه درست نمی شود مملکت  
دو به امنیت سوق داده نخواهد شد

بنابراین بنده عقیده دارم بعد از اینکه  
اصلش را تصدیق کردیم در این جزئیات  
سخت گیری نکرده و جزئیات را هم  
تصویب کنیم چیزی که هست برای اینکه  
آقایان کاملا مطمئن شوند این مخارج  
بطور مسلم و تحقق نیست بلکه بطور  
اعتبارات باید در بودجه قید شود که این  
ماده به عنوان اعتبارات و هرچه خرج شد باید  
صورت بدهند

**میخفر** — این ماده بطور یک آقای  
تدین اظهار داشته باشد یک اعتباری است  
البته آنچه خرج شد در آخر سال بحساب  
من آید و آنچه خرج نشدر محاسبه منظور و  
محسوب نخواهد شد

رئیس — مذاکرات کافی است؟  
(بعضی گفتند)

**محمد هاشم میرزا** — البته کافی

بیکار کنند یا حقوق چند نفر فقیر بیچاره  
را فطعم کرده دستشان را از اهاشه و  
زندگانی کوتاه نمایند بلکه بیشتر نظرم  
متوجه به کسر بودجه مملکتی و کاستن  
از مخارج زائد بوده آقای مخبر میفرمایند  
کاینه سلطنتی در تابستان با اهلی محضرت  
به بیلاق برود بلی بروند البته بروند باز هم  
هرض مشکن با آن علاوه و افت زیادی  
که بنده و تمام آقایان نمایند گان مجلس  
شورای ملی به شئونات مقام سلطنت داریم  
ممکن است اهلی محضرت وقتی که به بیلاق  
تشریف میبرند نظر کنند به بیچاره های  
که اصلا بیلاق نمیتوانند بروند و نظر  
فرمایند به بیچاره های که در  
اطراف محله سرچشم و خانه های بی آب  
زندگانی میکنند و با نهایت سختی بسر  
کاینه را از همان بودجه خودشان مرحمت  
فرمایند و این مخارج را از کیسه فتوت  
خودشان خرج کنند البته اگر آقایان در  
مقام انصاف برآیند ملاطفه خواهند فرمود  
هر ایش من صحیح است.

رئیس — آقای تدین موافقند.

قدیون — بلی بنده موافقم.

رئیس — آقای سلیمان میرزا  
کویا مخالفند؟  
سلیمان میرزا — بلی مخالفم  
رئیس — آقای تدین  
(اجازه)

قولون — بنده تعجب میکنم که مکرر  
داشته باشند میشود که باید بودجه را  
کسر و بعبارت اخیر تقاضا بودجه را باید  
قابل شد ولی یک اصل کلی دیگر را در  
نظر نمی گیرند.

مقصود از تقاضا بودجه چیست؟ مقصود  
از تقاضا بودجه تکانه عایدات است نسبت  
به مخارج و آقایان از دیگر امور و عایدات  
را به بیچاره در نظر ندارند بعلاوه مقصود  
حذف مخارج زائد است ولی در مقابل  
این را هم باید در نظر گرفت که اگر از  
حفری یک شاهی یک قران یا یک توان به  
عنوان تقلیل بودجه کسر شود و در هوض  
ضرر بزر گیری بجامعه بشود حذف آن یک  
تووان جائز نیست

تشکیل دادن یک اردو بیکار در این  
مملکت خیلی سهل و ساده است و هیچ قوه  
و قدرتی هم برای انجام این مقصود لازم  
نیست فقط یک ابلاغ کافی است ولی در  
هین حال حفظ جامعه و امنیت مملکت را هم  
در نظر باید گرفت و نیز باید در نظر داشت  
که اشخاص بدون سبب وجهت از کار متفصل

شوند والا بطوطیکه عرض کردم تشکیل  
اردو و خرج بیکار دادن در این مملکت  
کار آسانی است در موقعی که بودجه  
می گذشت بنده یکی از مخالفین بودم ولی

هد خیر بنا براین بعقیده بنده این یک  
ماهه است که اصلا هیچ نباید در آن  
حرف زد.

رئیس — مذاکرات در این باب  
کافی است.

**حق العلماء** — قابل مذاکره  
نیست و مذاکرات هم کافی است

رئیس — رای میگیریم بماده  
دوم آقایانی که ماده دوم را تصویب میکنند  
قیام فرمایند.

(عده کثیری قیام نمودند)

رئیس — تصویب شد. ماده سوم  
خوانده میشود.

(ترتیب ذیل قرائت شد)

ماده سوم — دو هزار و سیصد و  
چهل توانان.

رئیس — مخالفی هست.

آقای سعید یعقوبی — بنده  
مخالفم.

رئیس — فرمایند.

آقای سعید یعقوبی — در جواب آقای  
ملحاظه و رعایتی که باید برای مخارج  
منظور و ملاحظه شود ملاحظه شد ولی این  
مخارجی که اینجا نوشته اند یک مخارج  
تجملاتی است بنده در این موضوع خیلی  
میخواستم چنانچه نسبت به سریار  
و پیشخدمت ملاحظه فرمودید فوری رای  
دادم ولی در هین حال عقیده ام اینست  
که اگر مخارج تجملاتی هم صرف اضافه  
حقوق همان پیشخدمت و سریار و فراس  
بود بهتر است زیرا رفتن به بیلاق و  
آبدار خانه و غیره اینها بعقیده بنده یک  
مخارج تجملاتی است که اگر در عوض  
اینها بحقوق فراس بدینه اضافه شود  
بetrast است و بنده با مخارج تجملاتی مخالفم

هشتر — گمان میکنم که اینطور  
که آقای آقاسید یعقوب میفرمایند نباشد  
زیرا وقتی اداره کاینه تصویب شد البته  
بدیهی است لوازماتی از قبیل کاغذ  
مرکب و مخارج آبدار خانه و غیره لازم  
دارد اما مخارج بیلاق که میفرمایند مخارج  
تجملاتی است اینطور نیست (زیرا اداره  
کاینه مجبور است با خود اهلی محضرت  
حرکت کند و به بیلاق بروند و البته رفتن  
به بیلاق هم مخارجی لازم دارد و نمیشود  
خرج بیلاق را بر اشخاصی که حقوق جزئی  
دارند تعجیل کرد بعلاوه این مبلغ فقط  
برای رفتن منظور شده است

رئیس — آقای دست غیب  
(اجازه)

آقای سعید چحمد باقر دست غیب  
باز ناجارم یک کلمه مقدمه عرض کنم و  
هر ایضی که راجح باین دو سه ماده عرض  
کردم عرض این می شود کسی را از کار

وزیر عدلیه — بنده بتو به خودم

می خواهم چند کلامه عرض کنم ولی این عرض من راجع باصل مطلب نهست شاهزاده سلیمان میرزا در ضمن بیاناتشان راجع به بودجه کاینه سلطنتی هیارتی فرمودند که من یقین دارم بعنوان مثل

فرمودند اشخاصی که بی جهت از عدله خارج شده اند چون ممکن بود در اطراف این مطالب سوه تفاهم شود و در حضور خود بنده این حرف زده شد لازم است چند کلامه توضیح عرض کنم.

در وزارت عدلیه تا با مرور یکنفر بیخود خارج نشده است مدار کی که برای خارج کردن اشخاص بوده است دوچیز بوده یکی قانون یکی اعتبار مصوبه مجلس شورای ملی اما قانون مثل قانون مین می گند که فرضا معاونین مدھی العمومها و کلای همومنی بعده اطاعت‌ها باشد

پس بنابراین هرچه زیادی بوده بر خلاف قانون بوده لهذا من بر حسب وظیفه که دارم مجبور بودم بگویم هرچه خارج از قانون است حذف شود و اما اعتبار مصوبه اگر نایند گان معتبر در نظر داشته باشند مقدمه وقتی بودجه وزارت عدلیه را تقدیم کردم اول کسی که اظهار ناسفت کرد خود من بودم و عرض کردم باید در مملکت دو موسسه که موسسه قضائی و مهارفی است در سرتاسر مملکت برقرار باشد و هیچ فلسفة ندارد که ما بگوییم در تبریز محکمه و مدرسه باشد اما در ملایر نباشد؟

خیر تبریز هم جزء ایران است ملایر هم جزء ایران است و هردو بالسویه باید از حقوق و نعمانی که عموم ملت ایران استفاده می گند بهره مند شوند.

با این اختیاری که من و همکاران من دارند که می توانند ناسیمات هام المتفق را در سرتاسر مملکت ایران برقرار کنند چون تاسیس این مؤسسات مستلزم داشتن بول است ندا من در حدود چهارصد هزار تومان یولی که کمیسیون بودجه و مجلس شورای ملی تصویب کرددند بر طبق آن بودجه تشکیلات را اجرا کرده ام و اگر بر طبق این قانون یک عده بیکار شده اند بعثی بر من وارد نیست و من کسی را بخورد از عدله خارج نکرده ام علی الخصوص بلکه اصل مهم را نایند فراموش کرد که مملکت ما و قانون ما برای فاضی حدودی معین کرده یعنی کسی که فاضی شد و فضاوت را همهد دار گردید.

اورا بدون معما که نمی توان تغییر داد شرایطی برای اوضاعی شده که بدون آن شرطی کسی فاضی نیست و آن فقره چهاراز ماده ۱۴۷ قانون تشکیلات عدلیه است که شرط می گند و من گوید فاضی بايد امتعان بهدو دکسانی که امتعان نداده اند فاضی نیستند.

### رئیس — آقای ندین (اجازه)

آقای سید محمد قادیون — بنده در این مجلس یکنفرم نه جزء اقتیات نه جزء اکثریت نه جزء بی طرف هستم یکنفرم و عقايد خود را بدون هیچ ویژت و پروانی از این تاریخ بهم خواهیم گفت و هر وقت هر مطلبی مطرح شود اعم از اینکه اکثریت یا اقتیات موافق باشد یا نه و بنده مخالف باشیم عرض میکنم اما بنده که با این بودجه موافق برای چیست؟ برای اینکه بنده هم عضو کمیسیون بودجه هستم و رأی هم داده ام و رای من هم از آن اطاق باین اطاق فرق نکرده هر رایی که در مجلس علنی می دهم با رای اطاق کمیسیون ابداً فرقی ندارد حضرت والامی فرمایند یک عده اشخاصی هستند که هم شهریه دارند و هم مستمری می کنند که هم حقوق کاینه سلطنتی هستند به فقرای اینکه باشد وهم میگویند فقرای اینکه امکن باشد باشخاص ایرانی داد و فرق نمیکند پس نیباشد دیگری و دقت هم بقدری که ممکن است شده وهمین بودجه دو دفعه به هیئت دولت رفته و مطالعه شده و برگشت است حالا می فرمایند (القاب) بنده نمیدانم کدام اقیانی است که جای نان را بگیرد؟ اگر من هزار لقب هم داشته باشم ممکن است امشب بی شام باشم بنده امیدوارم که افلان این مجلس انشاع الله الرحمن بتوفيق خداوندان صدهزار قلم بودجه را اصلاح کند و بگذراند ولی باین ترتیب مشکل است هر شیوه بگذراند دو قلم هم موقیت حامل نمیکنیم و هی داشتم میگوییم فقراء بیکارهم — فقرای بیکارها والا همه مان نمیدانم همه دلایل مهسوبد و حاضر نیستیم یکنفر بیکار باشد یا یکنفر بی جیز باهد رلی باید فکری کرد اینها خواهش میکنم آقایان تشریف بیاورند به کمیسیون بودجه و ملاحظه بفرمائید که ممکن است که همان را حذف گردو گفت مانظرمان مرتبه و مقام است و حتی در بعضی موارد خود بنده که یکی از اعضاء کمیسیون هستم آنقدر در رای دادن تردید میکنم و بخواهیم برطبق زندگی خود مرآی بدhem (این هم که مشکل است) و بعضی اوقات واگذار میکنم به رأی آقایان لهذا بهتر این است که تضمیم بفرمائید انشاع الله الرحمن بودجه هزار از تصویب مجلس بگذراند و بمغارف مخصوصاً فردا که بودجه راجح به مسخریات و شهریه هارا باید بگذراند دیگر نشود هی فریاد زد — فقرای بیکارها — یا صاحب لقب ها — البتہ کسی میل ندارد کسی فقیر یا بیکار باشد ولی چاره چیست؟ بنابراین استدعا میکنم من بعد لقب و اشرف را کنار بگذارید زیرا چه غنی و چه فقیر باید بقدر مقدور از این مملکت بهره ببرند و زندگی کنند القاب که جای نان را نمیگیرد و همان طور که شاهزاده خلبان میرزا فرمودند ورقه آبی خواهیم داد بنه هم ورقه سفید خواهیم داد چون دقتی های خود را کرده ام و موافق

بودجه بیچوچ بودجه برای شخص منظور نمی شود بنده که یکی از اعضای کمیسیون هستم

نمیدانم ابداً کی در کجاست و فلان شخص کبست در این دوره مجلس افلان باید ده هزار قلم بودجه چه طور خواهد گذاشت؟ خوب است آقایان به کمیسیون بودجه که از صبح تا شام دایر است تشریف بیاورند ملاحظه بفرمائند که کمال مدافعت در اطراف مسئله می شود بنابراین بنده موافق هستم و مخالفت رادر این مجلس تحقیق می کنند و زیادی دو افظع نمیدانم یکی میگویند فقرای اینکه میگویند بیکار درست شود بیخواهم آن اشخاصی که صاحب لقب هستند و از کاینه سلطنتی چهارصد تومان پانصد تومان می گیرند شهریه هم می گیرند بلکه چیز دیگر هم از خیرانه همومی بگیرند بخواهم این بول را از متولین کسر کنند صاحب بارگاه اینها هستند که با اسم اینکه بکاردار مملکت نباید زیاد شود ماهی چهار صد تومان پانصد تومان حقوق می گیرند بنده مخالفم که از اهالی بدشت بگیریم و باینها بدهم باید با آنها یکی بواسطه کسر بودجه یا اینکه بلکه حقوق چشمی و باید گذران کنند و بیکار شده اند بدھیم هی باین اشخاص دولتمند بنده مخالفم داشته و هیچ منابع نمیدانم در صورتی که هیچ یا هی از وزارت تواند ندارند کاینه سلطنتی نهار داشته باشد آن بول نهار را کسر کنند باشند و بیکار شده اند بدھیم هی با این اشخاص دولتمند بنده مخالفم داشته و هیچ منابع نمیدانم در صورتی که هیچ یا هی از اینها هستند در صورتی که تصور میرود اهل حضرت همایونی تاستان در ایران تشریف نداشته باشد رفتن کاینه سلطنتی و رئیس کاینه بیلاق از برای چیست؟ پس بنده مخالفم و باز تکرار میکنم هیچ چیز مکدام از اینها که بنده مخالفت می کنم موجب بیکاری نمی شود زیرا اگر از اشخاصی که صاحب اقاب و داوائی و همه چیز هستند حقوقشان از پانصد تومان یا چهار صد تومان یک صد و هشتاد تومان کسر شود و بمغارف مملکت داده خود چه طور می شود اگر بقرای مملکت و با آن اشخاصی که با چشمی حقوق گذران می شود کسی پیکار شود و برای دفعه اول چهاره بگیرد پس اینکه سبب نمی شود کسی خودم را هر ضرر کردم حالا اکثریت مجلس (اشتباه نشود مردم از اکثریت اکثریت آقایان نمایند کان است نه دسته اکثریت) و راهی سفید خودشان را بدھند رئیس آقای مدرس (اجازه)





ولی مسئله در این است که کی رد سپاسی دارد که مرآ بجای خودش نمی‌گزند.

بنده می‌گویم این انتخابات را که ما در آینه وردها دیده‌ایم می‌توانیم بگوییم که دلیل بر این است که این قصباتی که بنده با سایرین رفته‌ایم و دیده‌ایم شاید در دهزار نفر هزار نفر ندارد که ملت‌فت باشند پارلمان چیست؟ و کبیل چیست ولی این و کبیل‌هم و کبیل آن هزار نفر است که رد سپاسی دارند وهم و کبیل آن دهزار نفر که کور کورانه می‌آیند و رای می‌دهند و نمی‌دانند مراد از این ورقه چه بوده است و چیست؟

ما و کبیل آنها هم هستیم و صلاح و فساد آنها را هم باید بدانیم و بگوییم ولی چون خود آنها یا سواد ندارند یا دور از مرکز تمدن هستند از این جهت ملت‌فت صلاح و فساد خودشان نیستند والا اینکه معلم شبهه نیست که این آقایان و کبیل تمام ملت هستند.

برای اینکه این صد نفر یا عشتر از نفری که در این جا هستند اگر و کبیل آنها نباشند و صلاح و فساد آنها را ندانند چگونه مالیات برایشان وضع می‌کنند خرج برایشان درست می‌کنند اگر و کبیل نباشند فضولی است که برایش مخارج تصویب کنند.

من از برای موکل خودم که صلاح خودش را واگذار بمن کردہ است و وشد سپاسی دارد با کمال جربت و فوت قلب دخل و خرج درست می‌کنم یا می‌گویم باید سربار بشود و بروز کشته بشود چون صلاح‌شتر را می‌دانم عرض کردم بنده درد رای می‌گویم علاجش را شاید ندانم انشاء الله از مرحمتی آقایان علاجش را می‌دانند بنده می‌گویم این بلوکات را اگر بحال خود و واگذار کنم در یک بلوک پنجه‌های نفر نمی‌آیند تعریفه بگیرند ولای اگر رشد سپاسی داشته باشند و نمی‌توانند احتماق حق خود را بگفته خودشان از زریعه میل می‌آینند و رای می‌دهند این هم نقص نیست البته باید کم کم ملت‌فت بشونده‌ها انطور که در سایر جاهای دنیا بتدریج فهمیدند که مصلحت آن هم کم کم خواهد فهمید که مصلحت آن‌ها در این نوع حکومت است اگرچه ازو کلای شان یک‌قدر توقعات فزاید دارند که آن‌ها از عهده بر نمی‌آیند اما انشا الله خواهند فهمید که باز همین نوع حکومت بحال آن‌ها اصلاح است یعنی همان پارلمانی که نمی‌تواند کاملاً مقاصده آنها را بجا بگذارد ولی البته هر امری تدریجی است و یک‌قدر نمی‌شود تمام سی کرور اهل ایران دارای این خصوصیات بشوند وهمه رشد سپاسی بپدا کنند مقصود بنده اینست که اینها در دادست و از باباب لاید و ناجاری گفته می‌شود که شرط سواد باشرط

داده‌اند از اطرافش پنجهزار شهزاده‌ای درست می‌شود و بعدم شکایات میرسد که با انواع مختلفه اجبار در کار بوده است (هر کس در شباهت بوده خوب ملت‌فت است که یک ناجیه و قصبه یا ولایت درجه ۳ و ۴ ممکن نیست تمدن و اطلاعاتش بقدرهای طهران باشد).

حالا حقیقت مسئله این است که این نحو انتخاباتی که در این دوسته دوره شده خوب نبوده است و بعیده‌بندی اگر ممکن بشود هم باید منتخبدارای قیوداتی بشود و هم منتخب شرایطی بیش از آنها باشد و هم کیفیت انتخاب دارای قیوداتی بشود آقای آصف‌الممالک در جلسه قبل یک اظهاراتی فرمودند که حقیده بنده‌هم تقریباً همان است.

ولیکن آنچه بنده عرض می‌کنم از باب درد است و علاجش را شاید خودم هم ندانم اما هرچهار می‌گفتم بلکه انشاء الله الرحمن آقایان علاجش را بدهند. و کبیل یعنی بجا آورنده مقصود موکل یعنی هر مقصودی که موکل دارد آن و کبیل باید اینجا مجدد بدهد و شبهه نیست که تمام افراد ایرانی از طفل و بزرگ و دیوانه و عاقل زن و مرد مطلع و غیر مطلع تمام آنها موکلین‌همه و کلائی هستند که در پارلمان می‌باشند یعنی و کلا صلاح و فساد تمام افراد مملکت را باید منظور نظر قرار بدهند.

پس انتخابات البته باید هموار باشد چون تمام موکل این و کلا هستند و مستقیم هم البته باید باشد. متناسب غیر مستقیم بعقوله بنده اصلاً و کبیل نیست و این حرفا هم که با سواد دورای بدهد و دولتمند سه رای این ها اصلاً فلسفه ندارد حالاً سایر جاهای این طور گفته اند شاید آنوقت آنها هم مثل ما هفتمان نمیرسید والا هر کس یک‌قدر و کبیل انتخاب می‌کند.

دیگر بعضی دورای بدهند و بعضی ۳ رای یا اینکه غنی و فقیر فرق داشته باشد آنها بکلی غلط است و ابدآ فلسفه ندارد و گمان نمی‌کنم در دنیا این طرز انتخاب اتفاق افتاده باشد شاید ناطق معترض هم من باب احتمال فرمودند ولی چیزی که هست اینست که مسئله محرومیت در کار نیست که کسی را محروم بگفته یا نه بلکه گفتگو در این است که کی رشد سپاسی دارد تا بتواند مقصود را بمن واگذار کند که بنده انجام بدهم دیوانه و فقیر و زن همانطور که عرض کردم همه موکلین ما هستند چرا؟

زیرا صلاح و فساد تمام آنها را می‌گوییم اطفال فقیرهم تمام موکلین ما هستند یعنی مصالح و فساد آنها را می‌گوییم مگر صلاح و فساد را اختصاص یعنی دون بعضی می‌دهیم (خیر).

استفاده از آن حق می‌شود ولی در جلسه قبل عرض کردم که بواسطه تمدی کسی بگس دیگر نمی‌شود حقوق آن شخص را سلب کرد یا مثلاً یک شخصی که مالش را بسرقت برده‌اند؟ خیر باید جلوی تمدی را گرفته باشد اینکه چون حقوق مرآ کس دیگر غصب کرده مرآ از حق خودم معروم کنند اینکه منطقی نیست؟ و نمی‌شود این را تصدیق کرد.

حکایت آن شخصی است که گوشواره را از گوش یکی میراید و می‌گویند که چون دیگری خواهد برد من میرایم. همینطور هم مجلس دورای ملی نمی‌تواند بیک عده را مساوی حق بگذارد، بواسطه اینکه اشخاص دیگری یا اشخاص متنفذی حقوق آنها را غصب می‌کنند؛ اینکه نمی‌شود. مجلس شورای ملی باید سعی کنند که حقوق افراد مملکت غصب نشود و کاملاً آزاد باشند و بتوانند از حقوق خودشان استفاده بگفته حالاً اگر بنده به‌خواهم در کیفیت اجرای این مطلب وارد شرم وارد شده‌ام در اساس قانون انتخابات باید ماده‌باده شرح بدهم و آنهم که خارج از وظیفه امروز مجلس است البته آقایانیکه در کمیسیون تجدیدنظر در قانون انتخابات تشریف دارند می‌باشند وقت کنند و اطراف مطلب را ملاحظه بفرمایند ویک قانونی بنویسند که آن قانون کاملاً از اعمال نفوذ متنفذی و مأمورین دولت جلوه کیمی کند و تجاوزاتی نسبت به مردم نشود هم اینکه مجلس شورای ملی حق کسی را سلب کند و بنده باشند که این قانون کاملاً هستند و در مقابل قانون متساوی العقوبات است.

(کفته شد صحیح است) مثلاً اینکه میرایند اشخاص باسوداد دارای ۲ رأی باشند بلای این خودیک تشویقی است برای اشخاصی سواد که تحقیل کنند ولی در همین حال بنده باز معتقد هستم که برخلاف اصول حکومت ملی است زیرا تمام افراد مملکت در حکومت ملی در عرض هم هستند و در مقابل قانون متساوی العقوبات

(کفته شد صحیح است) حالا آن بیچاره که بسواد است و وسائل تحقیل برای او فراهم نشده است یا دولت‌های وقت غفلت کرده‌اند که از حقوق ملیت و حاکمیت خود محروم بمانند و دیگری بر او و جهان داشته باشد؟ در حکومت ملی همان حقوقی که یکنفر شخص معمول متوجه دارد همان حقوق را یکنفر شخصی بسواد کردست او از همه‌جا هم کوتاه است دارد و در عرض هم هستند.

(کفته شد صحیح است) پس ما نمی‌توانیم معتقد باشیم که یکنفر باسوداد دارای ۲ رأی و ۳ رأی باشد و بسواد حق انتخاب کردن نداشته باشد و اما شرایط دیگری که ممکن است تصور کرد و گمان نمی‌گفتم هیچیک از آقایان معتقد باشند مثل اینکه انتخاب کننده مالک با صاحب مستقلات بادارای سرمایه باشد (صحیح است) چون این هم برخلاف حکومت ملی است

پس باید معتقد شویم که در حکومت ملی تمام افراد ملت در مقابل این حق باید مساوی باشند و همچنین فرقی در این حق ملی بین افراد نباید باشد (صحیح است) شاید بعضی از آقایان باین خجالت بیفتد که این بیچاره‌ها در موقع انتخابات بواسطه ای اسلامی از حقوق خودشان محکوم به اراده اشخاذان دیگر خواهند شد و موه